

چهل روز بی پدر...

* انحن توحیدی پیام *



طالقانی! پیرا، پیرا باین زودی
// اما یتیم شدیم
// اما بی کس شدیم
// اما مگر ما دوست نداشتی
// پس پیرا باین زودی رفتی
// اما مندمان نور چشم ما
// اما بی توبه کی پناه ببریم
// اما هم چیزی داریم
// اما پیش تو بیاییم و تکیه
// اما طاقت ماندن نداریم
ایمانداران



سعید موحسن

سید محمود طالقانی

محمد حنیف نژاد

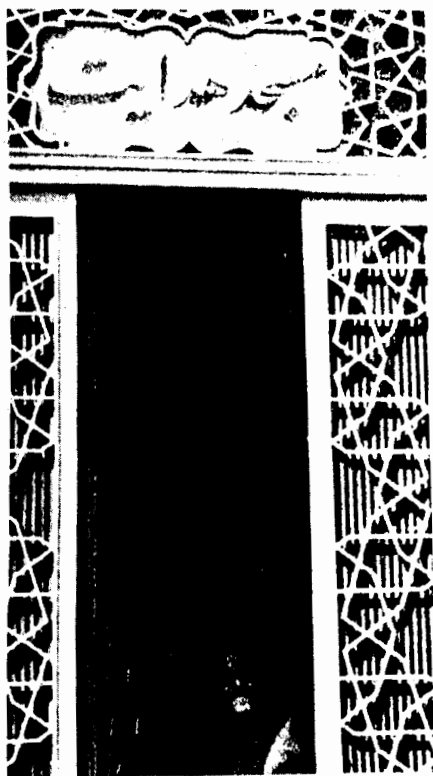
مجاهدین خلق ایران
۱۳۶۲

عبدالرسول مشکین

محمول
عسکری رادو

علی صفربدیع زارادگان

مسجد هدایت،
میعاد گاه راهیان راه حق



چهل روز ، بی پدر

نامه ای به پدر طالقانی

پدر تورفتی ، لیک هنوز ظنین صدای رسا و پرخروشت در پهنه ایران بگوش
میرسد ، پدر تورفتی ، ولی هنوز گرمی و عمق نگاهت در جسم و جان یک
یک فرزندان نور امید میپروراند ، پدر تورفتی ، اما هنوز عطر وجودت
و لطافت دستت در خیابان تنکابن و بر سر هر بی پناهی احساس میشود
مرگ توجهانی را به شگفت انداخت ، نقطه عطفی در تاریخ بشریت بجا
گذارد ولی عده ای راهم خرسند کرد .

پدر جسم تو در خاک نشست ولی روح ناظر بود که این خبر رحلت تو
چه مردانی ستبر و نیرومند را چنان به زمین کوبید که یارای برخاستن
نداشتند و کسانی که تا کنون با گریستن و اشک ، بیگانه بودند تاب تحول از
دست دادند و بی اختیار در سیل اشک خود غرق شدند .

امام اعلام کرد ، پدر " ابوذر زمان " بود " بازوی اسلام " و " مالک اشتر " بود
ولی آنچه مسلم است تاریخ این چنین عزاداری بخود ندیده و هرگز
نخواهد دید .

در این عزا هیچ مقام و شخصی یا گروهی اعلام عزاداری نکردند ،
غیر از نخست وزیر و این خود مردم بودند که بدون اطلاع از اعلامیه دولت

به یاد ابوذر زمان : پدر طالقانی

دست از کار و زندگی کشیدند ، ایران را به ماتم سراتبیدیل کردند ،
 در این عزا موافق و مخالف ، کرد و ترک و فارس و عرب و بلوچ و ترکمن ، —
 شهری و روستائی ، پیرو جوان ، مسلمان و غیرمسلمان ، چینی و راستی ،
 لیبرال همه گریستند و به سروسینه زدند . این گریه کنندگان مرده پست
 نبودند ، بلکه پدر ملت را خوب میشناختند و نقش حساسین او را در انقلاب
 و رهبری درک میکردند و همگان پدر را برای خود ، سنگر استقامت و —
 سرپرست و ملجی میدانستند ، در اوصاف پدر شنیدیم که میگفتند ، امام
 جمعه ، نایب پیغمبر ، سرور ما ، رهبر ما ، مجاهد ، مبارز ، ولی کی این
 جملات را با رای ادای واقعیت شخصیت پدر میباشد .
 پدر تورفتی ولی هنوز خانه ها ماتم زده است هنوز خانواده سیا هیوشند
 آخر رسم برای این است اگر کسی از دنیا رقت و اطرافها نش سیا هیوش شدند
 عده ای میآیند لباس سیاہ را از تنهای آنان بد میکنند . ولی يك ملت
 راجه کسی و چگونه میتوان از لباس سیاہ عزا خارج کرد ، فقط يك راه —
 دارد و آن اینکه تا زمانیکه يك هد فها ووصاها و نظرات پدر در ایمن
 کشور جامه عمل نباشد ، ملت جامه عزا برتن خواهند داشت .
 پدر تورفتی ولی در روز سوم رحلت فرزندان صدیق مکتب تودردانشگاه
 این مکان را بلززه انداختند و سنگ ها را نیز بگریه انداختند .
 پدر تورفتی ولی بچه های تومره حیات و مبارزات تو ، رسالتی دشوار

پدر طالقانی زمانی برورمان گفت

ومیراثی گران بدوش خود دارند .

ولی پدر جوی را که برسرزمین ایران حاکم نموده اند فرزندانت را بسی

زجر میدهد و سکوت سنگین آنان قابل تحمل نیست .

پدر، ماد رغم فقدان تو با چشم های گریان شاهد خنده های اشخاص

بودیم که از پشت دوربهن تلویزیون پخش میشد ، وما شاهد آن هستیم

که پس از تو بسرعت با اصول قانون اساسی پی در پی تصویب و تدوین

میشود .

و پدر ما شاهد بودیم و روح توناظر بود که چگونه همزم و همراه تو را هم

از محدوده مجلس خبرگان خارج و بمصدر وزارت منسوب کردند و ایگاش

بودی و بعامیگفتی که ما راجه میشود ، ایران راجه میشود ، اسلام چه

خواهد شد ، نه اسلام انحصاری اسلام محمد و اسلام و حکومت علی

ما را به کجا میبرند . این صبر و سکوت فرزندان صدیق و جانبا ز توتاکی —

ادامه خواهد داشت آخر این ملت بعد از تو امیدشان به تنهاره سروان

و ادامه دهندگان راه تو است و این رزمندگان پیش تاز و انقلابیون مسلمان

چه وقت لب به سخن خواهند گشود و دست توطئه گران و دغل کاران

و انحصار طلبان و میراث خواران را رو خواهند کرد .

پدر تورفتی ولی باز در اثر اعمال سیاست های غلط ، برادران کسرد

و پاسدار ما دسته دسته قتل عام میشوند . اعلام میکنند که امپریالیسم

که راهش هنوز نیمه تمام است

اسلامی قرآن نیست که مورد نظر تویدر بود ولی پدر اینک ما با تو عهد و میثاق می بندیم به تربیت پاک تو به روح پرفتوح و به خون پاک فرزندان شهیدت که سنگفرشهای خیماینها و شکنجه گاهها و میادین تیربارانها را گلگون نموده و سوگند یاد میکنیم که انجام وصایایت که همان برهائی — شوراها ی اصیل اسلامی و برقراری یک جامعه بی طبقه توحید (قسط) از یای نخواهیم نشست .

پدر همانگونه که تو خود از دوران جوانی تا این دم آخر با ظالمینی مواجه بودی که از تهمت هایی نظیر وها بیگری و کمونیستی نسبت به وجود پاکت کوتاهی نمیکردند ، در این دوران نیز فرزندان راستین مکتب توازاین نوع افترا و تهمت مبرانیستند ولی چون همواره حق پیروز است و باطل ناپود ، در نهایت این اتهامات بیهان گرفتاری ها را چنان خواهد فشرد که فرصت طلب عفو و بخشش و توبه و ندامت هم نخواهند یافت .

در خاتمه ، پدر از فلسفین برایت میگویم ، مسلمین و مبارزینی که مورد نظر و علاقه توبودند و آنها نیز در غم فقدان کم از ایرانیان دلشان بدرد — نیامده جنوب لبنان نیز هنوز آشفته و جنگ زده است ، کشتار ، بمباران مظلومین هنوز ادامه دارد . برادر ابوعمار و هانی الحسن از فرزندان راستین مکتب قرآن و ادامه دهندگان راهت ، پدر دعوت کردند از جنوب لبنان دیدن کنند و با او به مذاکره بنشینند . مردم از امام و دولت —

امریکا ، امریکا ، دشمن خونی خوار خلق

وصهیونیسیم د رکردستان پول خرج میکند و سرمایه گذاری میکند ، ما این کار را نکردیم و در رکردستان سرمایه گذاری نکردیم و اگر سرمایه گذاری میکردیم و آنجا را آباد میکردیم نقاط ضعف آنان را میپوشاندیم دیگر جای سرمایه گذاری برای عمال امپریالیسم و صهیونیسم باقی نمی ماند ولی نکردند و تولیدر بهتر میدانی چه کسانی نکردند و چرا نکردند .

پدر از کشتار غرب کشور برایت گفتم ولی از خوزستان هم بگویم که انفجار پشت انفجار و در دنا کتر از همه انفجار قطار تهران خرمشهر که فاجعه بود ولی تاکنون کسی دنبال علت اینکار نبوده که چرا ، این کشتار و انفجارات برای چیست ، اینهمه برادر کشی و وارد کردن خسارات به - تاسیسات این مملکت چه سودی دارد .

پدر توفتی و سفارش کردی شهادت را انتخاب کنیم و شورا را برقرار سازیم ما تا آخرین قطره خون در راه تو خواهیم رفت و آرزو میکنیم در راه تو و قرآن و نهج البلاغه شهید شویم و به توبیبیوندم ، لیکن در مورد شورا بدان که شوراها در حال تکوین است ، ولی نه آن شورائی که نظر توبود ، بلکه به صلاح دید دست اندرکاران شوراها ی تشریفاتی که دست کمی از انجمن های شهر سابق ندارد ، با اختیارات محدود و بی اراده و تصمیم و تحت تسلط هیئت حاکمه ، و میدانی که این آن اصل

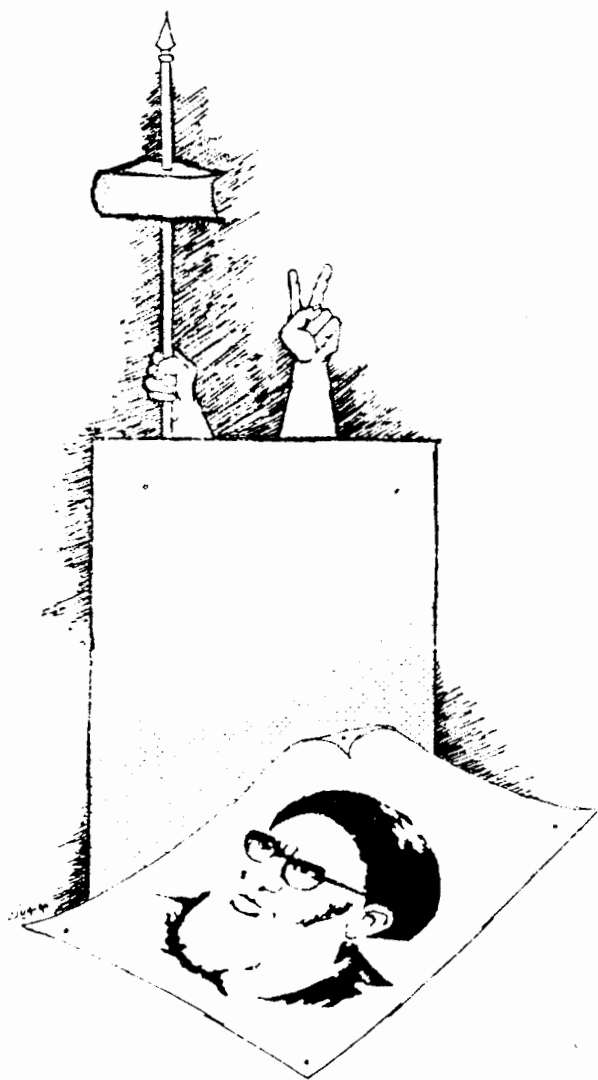
مجاهد ، مجاهد ، حامی پیکار خلق

می خواهند که به فلسطین کمک مادی نیز بکنند و هرچه زود تر نقش
 وحدت عملی و پیوند قدمی انقلاب ایران و فلسطین هرچه گسترده تر
 در هم آمیزد ، و در به ثمر رساندن آرزوی پدر ، ایرانیان انقلابی و
 رزمندگان در مسجد الاقصی نماز بگذارند .

آری پدر توفیقی و ما را تنها گذاشتی ، لیکن از دیده شاید ولی از دلها
 هرگز ، ولی ما با تو ییم و تو در گسترده این مرز و بوم زنده و جاویدی ، —
 راه تو ، پرتو قرآن تو ، رهنمودها و وصایای توجیراغ راه ما در به ثمر
 رساندن اهداف خواهد بود .

رحمت الهی توشه راهست

دورود همه رزمندگان و رهروان راه خدا و خلق بیروان پاکت



افکار طالقانی

... امروز همه از شوراهای صحبت میکنند حتی آنهایی که تا پیش از مرگ آیت الله طالقانی با تشکیل آن مخالفت بودند، دم از پشتیبانی از ایجاد شورا میزنند و خود را ادامه دهنده راه آن پدر بزرگوار میدانند، اما آیا منظور اینها همان شوراهای واقعی است که حاکمیت مستضعفین را بر سرنوازششان تضمین کند؟ پس باید هشیار بود که از برخورد رفرمیستی صرفاً "شکل‌گرایانه" باشوراهای اجتناب ورزیم و تنها به اسم شورا دلگرم نباشیم، طبق آیه و "مَرَهْمُ شُورَى بَيْنَهُمْ بِهِ وَظَائِفُ شُورَى بِهٖ عُنْوَانُ يَكُ ارْكَانُ تَصْمِيْمٍ كِيْرِنْدَهٗ كِهٖ دَارَى قَدْرَتِ اِجْرَائِي بِاَشْدَ نِيْزَ بَآيْدَتِ كِيْهٖ كَرْدُ وَ تَنَهَا بِدِيْنِ طَرِيْقِ بَهٗ اَنْ نِظَامِ شُورَائِي كِهٖ خَوَاسْتَهٗ پَدْر طَالَقَانِي بُوْدَهٗ - جَامِعَهٗ عَمَلِ مِي بَخْشِيْمِ شُورَايِ وَاَقْعِي اَنْ اَسْتِ كِهٖ اِنْتِخَابَاتَشِ اَز پَائِيْنِ بَهٗ بَسَالَا بِاَشْدَ چنانكه حتى در انتخاب رئیس جمهور نیز شرکت دارند. از طرفی شورا نقش صنفی سیاسی-ایدئولوژیک دارد و چنانچه گفته شد حتی در عزل و نصب مقامات عالی‌رتبه دخیل است، نه اینکه در ظاهر مورد مشورت قرار بگیرند اما بعد تصمیم‌ها را فرد دیگری بگیرد.

وظایف عمده شوراهای:

شورای کارخانجات مشارکت در تهیه تولید، توزیع، قیمت‌گذاری، امور اداری و مدیریت، تعیین دستمزد و شرکت در تعیین سرنوشت سیاسی، در غیر اینصورت با سندیکاهای فرمایشی دوران آریامهری فرقی ندارد.

شوراهای دهقانی: مشارکت در تولید و توزیع محصولات و اداره تعاونی‌های روستایی و نظارت مستقیم در قیمت‌گذاری محصولات در رابطه با دیگر مواد تولیدی شوراهای شهری و مشارکت در فعالیتهای عمرانی و انتخاب شهرداران و نهادهای

شورای بدون قدرت اجرائی، شعار است

۹
افکار طالقانی
عالیترتبه و تصمیم‌گیری در امور سیاسی .

شوراهای نظامی : مشا رکت در فرماندهی ارتش و اعلام جنگ و صلح و عزل و نصب فرماندهان ارتشی .

تنها بدین صورت است که با مسئولیت‌پیدا کردن توده‌های مردم، استقلال ملی و تداوم انقلاب و رهبری زحمتکشان جامه واقعیت می‌پوشد .

پدر طالقانی : اگر شوراها تشکیل بشود دیگر ما چه کاره هستیم؟ هیچ‌کاره بروید. دنبال کارتان بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند، بعد ما بارگفتیم که مسئله شوراها از اساسی‌ترین مسائل است.

انتخاب شوراها، از پایین به بالا است

. . . مبارزات امروز هرچه بیشتر به سوی پیچیدگی سیر میکند و دیگر با شرایط ساده زمان برده داری و یا فتوای روبرو نیستیم بلکه نظام کثیف سرمایه داری و شدیدترین نوع استثمار و دشمنی بر حیل و گداز بنام امپریالیسم مواجهیم شرایط پیچیده شونده مبارزه ایجاب میکند که از برخورد سطحی با دشمن و ساده اندیشی بپرهیزیم و دیگر با شیوه های پارلمانتاریستی و پشت میز مذاکره نشستن، نمی توان با این دشمن بشریت دست و پنجه نرم کرد بلکه با شناخت قانونمندی های حاکم بر مبارزه ضد امپریالیستی و تجربیات انقلابات پیشین می خواهیم برده که تنها از طریق جهاد مسلحانه و مبارزه قهرآمیز توده های و وحدت انقلابی است که ضامن پیروزی بر امپریالیسم است. امروزه امپریالیسم دیگر بصورت یک یا چند — کشور مجزا با عملکردهای متضاد نیست بلکه سرمایه داری انحصاری جهانی است که در بطن خود پیوند شرکت های انحصاری غول پیکر و کارتل و تراستها را در بر دارد. اینک امپریالیستها با وحدت تضادهای بین خود را تحفیف داده و تقسیم مسالمت آمیز بازارهای جهانی را به رقابت و ستیز با یکدیگر ترجیح میدهند.

امپریالیسم هر چند در درون خود دارای تضادهای عمیق است اما در برابر جنبش های آزادیبخش و قیام خلقهای مستعدیده جهان بصورت یکپارچه عمل میکند و اکنون که دشمن خلقها در جبهه های واحد به جنگ محرومان می آید پس وحدت تمامی نیروهای ضد استعماری و ضد استبدادی و ضد استعماری به رهبری یک جتر سیاسی واحد ضروری است.

پدر طالبقانی هدف همه مبارزین راستین یکی است، نفی استبداد و نفی استثمار، نفی استعمار

وحدت اصولی نیروها، ضرورت انقلاب است

در هر انقلاب باصل با تکیه بر توده‌های مستضعف (کارگر و دهقان) و

بدست گرفتن امور توسط محرومترین اقشار جامعه و رهبری پشتاتزان انقلابی
باید بتوان بعد از نابودی نظام اقتصادی - اجتماعی پیشین و نهادهای
استثماري جامعه سیستمی خلقی جایگزین ساخت . البته بدیهی است که
چنین نظامی را نمیتوان بنا کرد مگر بر مخروبه‌های نظام قبلی و تا زمانی که
نهادهایی از نظام پیشین در جامعه وجود دارد ، امر بازسازی جامعه محال
است . این امر تنها در پرتو برخورد قاطعانه و انقلابی میسر است . و شیوه
- های رفرمیستی از پیشتر محکوم به شکست است و اکنون در آستانه تصویب
قانون اساسی باید روشن ساخت که تنها قانونی با محتوای نافی استبداد و
استعمار و استثمار قادر است چنان تحولی را در نظام اجتماعی تحقق بخشد
، زیرا قانون اساسی همچنان که از نامش پیداست قانونی است که باید بعد از
نابودی نهادهای اقتصادی (سرمایه‌دای وابسته) سیاسی (بوروکراسی -
حاکم) و نظامی (ارتش امپریالیستی) پیشین اساس و پایه نظامی اسلامی
و راستین را بنا کند ، و حرکت بسوی نفی طبقات و جامعه توحیدی را تضمین
کند .

قانون اساسی باید حامی منافع زحمتکشان

این امر خطیر به عهده مجلسی با نمایندگان واقعی توده‌های ستمدیده و محروم‌تریر
بقات است، اما آیا در مجلس خیرگان فعلی که انتخاباتش با انحصارطلبی حزب
حاکم و سوء استفاده از ناآگاهی مردم بود، میتوان تصویب چنین قانونی را انتظار
داشت؟

پدر طالبانی: می‌ترسم قانونی که این مجلس نصیب خواهد کرد از قوانین
هفتاد سال پیش هم پائین‌تر باشد.

بامسئولیت سرمایه داران!

" این یتیمان نازکن "

یاور ما، چشم خود

یک لحظه دیگر یازکن

امت در انتظارند

خطبه این جمعه را آغاز کن

سرور ما: نغمه صلح و صفارا

بار دیگر ساز کن

یاور ما، ای ابوذر

عاشقانت چشم بر این در روخته‌اند

در هر روی مستمندان یازکن

سرور ما، یاور رهبر

خلق محروم، بخش دارند در گلو

دیده بگشا، بار دیگر

این یتیمان نازکن

دیده بگشا، بار دیگر،

این یتیمان نازکن

نقل از نشریه فریاد گود نشین

بچه‌ها: بی پدر شریم

”گروهی که بنام دین به گروهها حمله میکنند به مجامع آنها پابسه محل سخنرانی آنها ویا کتابخانه آنها حمله میکنند ، اینها تصور نکنند که خدمت به دین میکنند ، اینها مسلمانهای ناآگاه هستند یا آلت دست هستند .“

هر جمعیتی که بخواهد آزادی بحث و انتقاد را محدود کند اسلام را نشد خسته است .

(پدر طالقانی)

انقلابات همیشه در آستانه شکست و متوقف شدن حرکت تکاملی خود به نوعی انحصار طلبی و دیکتاتوری کشیده میشوند . تاریخ انقلابات نیمه تمام پخوبی گویای این سخن است ، بروز اولین آثار شکست و توقف يك انقلاب را در محدودیت آزادی ها و ممانعت از فعالیت — انقلابیون می توان مشاهده کرد . زیرا پخوبی می دانیم که هر انقلابی برای تداوم خود احتیاج به فضای دارد که گروههای سیاسی آزادانه در آن تنفس کنند تا به حیات خود و مبارزه با امپریالیسم به نحو بارزی ادامه دهند . بخصوص در این برهه سرنوشت ساز از تاریخ میهنمان که شاهد حمله وسیع ارتجاع به کتابخانه ها ، کتابفروشی ها و مراکز فعالیت سیاسی و فاطر سازمانهای مختلف و کندن اعلامیه های گروه های دیگر و مارک زدن به گروههای انقلابی تحت عنوان کافر، مشرک

تنها در فضای آزاد و دموکراتیک

التقاطی و به انزوا کشیدن آنها هستیم . باید به این امر بهای بسیار داد ، زیرا تمهادهای محیط آزاد است که امکان برخورد اندیشه ها و زمینه فعالیت نیروهای سیاسی برای استمرار انقلاب و ارتقاء مبارزه ضد امپریالیستی فراهم میشود و محیای برای مبارزات ایدئولوژیک و غنی کردن آن بوجود میآید ، اما اگر گروه یا گروههایی یا حزبی حاکم با دیدی تنگ نظرانه تحمل عقاید مخالف را نداشته باشند و با انحصارگرایی و ایجاد فضای غیراسلامی مانع برخورد آزادانه عقاید و ادامه مبارزات دیگر نیروها شوند ، انقلاب از حرکت و پویایی باز خواهد ایستاد و این عمل خود خیانتی به انقلاب و در نتیجه به خلق ستمدیده و محروم ایران و در نهایت به تمامی انقلابات و خلقهای تحت استعمار جهان است .

زمینه رسد و وحدت نیروها فراهم می شود

استبداد زیر پرده دین را کنار بگذاریم و بیائیم با مردم ، با دردمند ها ، رنج کشیده ها ، با محرومها همصدا شویم"

(پد رطالقانی)

در طلوع تاریخ همواره با نظامات استثماراری و طبقاتی روبرو بودیم که برای توجیه وضع موجود و جلوگیری از نارضایتی و عصیان توده های بی چیز در لوای مذهب و لباس رهبانیت خود را پنهان کرده و تزویر را به خدمت زور و زور در آورده اند . هشتاد و پیشوایمان حضرت علی (ع) که اسلام مانند پوستین وارونه خواهد شد ، بارها و بارها در فراز تاریخ طنین انداخته و تبلور این سخن را در وجود ادیان غیر توحیدی و طبقاتی و حامی استثمار و غارتگرانی که با نام خدا و مذهب به چپاول محرومان مشغولند مشاهده کرده ایم ، همانها که با لباس دین ، دین را می فروشند ، در شرایط حساس و تاریخ ساز امروز که قیام مردم میتواند راهگشای مبارزه بر علیه استعمار و استثمار باشد ارتجاع ، این پایگاه داخلی امپریالیسم در کمین نشسته تا با طرح شعارهای انحرافی حرکت پیگیر خلق را متوقف سازد ، بویژه اکنون که به لباس مذهب درآمده و سنگ اسلام را به سینه میزند و به بهانه پشتیبانی از امام نیات پلیس خود را عملی می سازد ، در چنین شرایطی برای مقابله با ارتجاع بایستی به نهاد های فکری آن و به مذهب سنتی که عامل تحمیق توده هاست

مبارزه بر علیه عوامل تزویر و کعب العبارها

حمله برد و با افشاگری در صدد نمایان ساختن چهره واقعی آن باشیم
 زیرا که مبارزه بر علیه تزویر از مبارزه ضد ارتجاعی جدا نیست و هر دو در
 بطن مبارزه ضد امپریالیستی جریان دارد .
 کعب الاحبارها ، این جیره خواران هارون ها و قارون ها همیشه در
 طول تاریخ وجود داشته اند اما این بار باید هشیار بود که مکتب اصیل
 و توحید دیمان هرگز آلوده به اراجیف جناح راست ارتجاعی و مذہب سنتی
 نگردد ، آری مرکز را خواهیم پذیرفت اما پابروی اصول ایدئولوژیک و
 آرمانهایمان نخواهیم گذاشت .

از مبارزه ضد ارتجاعی جدا نیست

بسم الله الرحمن الرحيم

به شما بنی اسرائیل خبر دادیم ، که در روی زمین خنریزی و فسادخواهید کرد . پس چون وقت انتقام فرا رسد ما در میان خود بندگان را بر می‌انگیزیم ، که صاحب قدرت شکست‌ناپذیر باشند ، تا آنجا که حتی در درون خانه‌ها نیز شما را جستجو کنند و این وعده انتقام حتمی است . (آیه ۵۰ بنی اسرائیل) این وعده خداوند است که انتقام از بنی اسرائیل این مظهر رژیمهای نژاد پرست (و نه سمبل یهود) گرفته میشود . آنها بدست فرزندان برومندی که دارای قدرت لایزال هستند و این بار دست قدرت خداوند از آستین رزمندگان فلسطینی بیرون می‌آید و تحقق وعده خدا در پیروزی خلق فلسطین بر اسرائیل غاصب جلوه‌گر میشود .

تاریخ فلسطین مملو از شکست و پیروزی و آوارگی‌هاست . فلسطین که تا پیش از این به اعراب تکیه داشت ، با سازش حکومت‌های مرتجع عرب در سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۴۸ و شکست آنها در جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ امید واهی خود را به اعراب از دست داد و بخوبی درک کرد که فقط با تکیه بر یک ارتش خلقی که از درون توده‌های ستم‌دیده می‌جوشد ، میتواند بر اسرائیل غلبه کند . از طرفی شکست ۱۹۶۷ صحت مبارزات انقلابی و ضرورت مبارزه مسلحانه را برای آزادی فلسطین به اثبات رساند . و این خود نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت فلسطین بود ، که به قدرت لایزال توده‌های خویش‌پی برد و به تشکیل ارتش خلقی از جوانان مبارز فلسطینی اقدام کرد . و در پی آن در نبرد پرشکوه کرامه در سال ۱۹۶۸ توانست ، پوزه اسرائیل تجاوز کار را به خاک بمالد ، و حماسه شکست‌ناپذیری اسرائیل را به فراموشی سپارد .

گسترده باد وحدت پیشاهان انقلابی ایران و فلسطین

اکنون که اسرائیل بیش از آنکه از قدرت کشورهای بزرگ بهراسد، از اطفال و جوانان فلسطینی که برای بازگشت به میهن آمادهٔ پیکارند، می‌واسد. اما هنوز خلق فلسطین اسیر چنگال امپریالیسم و صهیونیسم است، و روز و شب جنوب لبنان و اردوگاه‌های فلسطینی بمباران شده و بر شمارهٔ آوارگان افزوده میشود. زندانهای اسرائیل پر از مبارزان فلسطینی است، که با بدترین نوع شکنجه و اسارت روبرو هستند. اینک بعد از انقلاب پر شکوه ملت ایران، چشم امید فلسطین به ایران دوخته شده، اما اکنون برای فلسطینیها چه کرده‌ایم؟

بر طبق گفتهٔ مجاهدین خلق، عبدالرسول مشکین فام: خلق ایران مبارزه‌اش را جدا از خلق فلسطین نمیداند، من افتخار میکنم که هم عضو سازمان مجاهدین خلق هستم و هم عضو الفتح.

آیا ما هم مانند رژیمهای سازشکار عرب فقط صحبت از حمایت معنوی، از فلسطین خواهیم کرد. آخر شعار دادن به چه درد توده‌های محروم فلسطینی می‌خورد؟

آیا سخنان پدر طالقانی را در روز فلسطین فراموش کرده‌ایم، که میگفت: در اولین سفری که به فلسطین رفتم از نزدیک به آوارگان فلسطینی می‌اندیشیدم. از کشورهای اسلامی و عرب به کنفرانس آمده بودند، ولی بعضی فقط حماسه میخواندند و تظاهر به طرفداری از این مظلومین و مسجد غضب شده داشتند. ما ملت ایران با تمام قوا برای دستگیری هر ملت مظلوم بخصوص فلسطین دست کمک دراز می‌کنیم، چون قیام ما برای نجات مستضعفین است.

آیا قیام ما جز برای آزادی دیگر خلقها بود؟ آیا زراد خانهٔ عظیمی که مملو از سلاحهای آمریکایی است، این میراث شوم رژیم آریامهری به چه درد خلق پا برهنه و گرسنه ما می‌خورد. آیا از این سلاحها جز برای کمک به خلق فلسطین استفادهٔ دیگری سراغ داریم؟

آیا باید فلسطینیها دست‌نیاز به سوی ساداتها و ملک حسین‌ها و

ملک خالدها دراز کنند؟

ملک‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی به فلسطین

از ظرفی انقلاب ایران در رابطه با تمامی انقلابات منطقه است، و بدو کمک به دیگر انقلابات دیگر نامش انقلاب نیست، بلکه صرفاً "شعاری توخالی" است. مگر پدر طالقانی نگفت: که این خونی که در خیابانهای ما و در هر شهر و دهکده جاری شد، با خونهایی که در فلسطین جاری شده، هر دو در یک بستر حرکت می‌کنند. در درون دیکتاتوری آریامهری انقلابیون از کجاسلحه تهیه می‌کردند؟ بگذارید گوشه‌ای از دفاعیات مجاهد شهید خلق مهدی رضایی را شاهد بیاورم: (ما مقداری از این اسلحه و مهمات را از برادران فلسطینی به عنوان هدیه انقلابی برای خلق ایران گرفتیم، الفتح نیرویی نیست که در پی سوء استفاده باشد و همه این کمکها به خاطر وحدت مبارزات بسر علیه ارتجاع و امپریالیسم است.)

آیا فراموش کرده‌اید که خلق فلسطین با تمام درگیریها و بمبارانهای شبانه روزی و با وجود اینکه وطنشان اشغال و آواره گشته بودند، و حتی جایی برای زندگی نداشتند و در کوه و بیابانها می‌خوابیدند، با این حال به دیگر خلقهای منطقه از جمله ایران کمک کردند! آیا اکنون که ما در موضع قدرت هستیم و تمام امکانات در اختیارمان است، نباید دین خود را به فلسطین ادا کنیم؟ در این صورت مسئولان و دست‌اندر کاران بستن کنسولگری فلسطین را در اهواز چگونه توجیه می‌کنند؟

آیا به ضرورت وحدت خلقها و پیشتازان منطقه خاور میانه و تمام جهان که میتواند راهگشای مبارزات ضد امپریالیستی انقلاب ما باشد، نمی‌اندیشیم برطبق گفته حضرت علی: ان امرنا صعب المستصعب. انقلاب ما نیز راه دشوار و پر پیچ و خم در پیش دارد، و این یک قانون عینی است، که دشمن تا مدتی طولانی برای انقلاب مشکلات ایجاد میکند و تنها وحدت پیشتازان این توطئه‌ها را خنثی می‌نماید. اما دست‌اندر کاران برای وحدت دوا انقلاب چسه کرده‌اند؟ آیا فقط پشت میکروفن از وحدت انقلاب ایران و فلسطین سخن گفتن، کافیهست؟ تنها روزنه امید برای وحدت، دعوت یاسر عرفات از سازمان مجاهدین خلق برای دیدار از لبنان است، که ضامن وحدت دو پیشتاز انقلابی منطقه است. تنها در این صورت بیروزی را لمس خواهیم کرد و وعده‌

خواستۀ انقلابی خلق قهرمان ایران است

خداوند تحقق می‌یابد . آنگاه که وقت انتقام فرارسد به مسجد بیت المقدس مانند ، بار اول درآیند و بهر چه رسند ، نابود کنند و بر همه چیز تسلط یابند . (آیه ۸ بنی اسرائیل)

آری خداوند اراده کرده ، که ستمدیدگان وارثین جهان شوند و تنهای خلقهای مستضعف مجریان این اراده الهی هستند .

" ولن تجد لسنة الله تبديلا ولن تجد لسنة الله تحويلا "



• شرایط زندگی در اردوگاه در دوران محاصره .

• تمام نگاهها بمباران شدند .

مرگ بر عاملان فاجعه تل زعتر

نامرد با دگرگونی نهادهای اقتصادی - سیاسی - قطعی امپریالیسم



• مردم تل زعتر: گرسنه، تشنه، مجروح

آیا تنها کمک‌های معنوی می‌تواند از بروز
یک تل زعتر دیگر جلوگیری کند؟!

پدر طالقانی در اولین دیدار با رهبران از بند رها شد و مجاهدین

خلیقتی

”ما به آخر خط رسیدیم ایم شما باید تا پایان آنرا ادامه دهید“

بعد از سخنان برادران مجاهد مسعود رجوی و موسی خیابانی، پدر طالقانی چنین گفتند .

اگر من کوشش فکری کردم آرزو همین بود ، در این دنیای آشفته و دنیائی که مکتب هائی که از مغز بشرهائی تراوش کرده و دیدیم که مردم متحیر مردم مظلوم دنیا ، مستضعفین دنیا ، استعمار شد مواستما رشد دنیا در واقع همه اینها ، همه یک مطلب پیش نبوده و آن آزادی انسان ها بوده ، از سرکوفتگی و از تحقیرهایی که به انسان شده است . که همیشه قرآن ، تکیه میکند بر ربکم ، ربکمعدان برای آن ربوبیت و حرکت ربوبی برای انسان در محیط اضطراب باز شد . این اصل مطلب است . تجربیاتی که — بخصوص در این یکی دو قرن اخیر بشر برای این مسئله ، این حقیقت را کرده و هنوز هم در راه است ما هم تجربه ای داشتیم و داریم ، من همیشه امیدوار بودم که بتوانم یک نسلی ، یک جوانهای مصمم ایمانی در این کشوری که وارث است ، در بین همه کشورهای اسلامی ، کشوری که از جهت استعداد و هوش همیه در عالم نمونه بوده بتوانیم بدنیانشان بدیم و راه جدیدی بازکنیم ، که از این ایسم ها ، مکتبها و دیگر مسائل راه نجاتی باشد

درود بر پيشتازان راستين خلق

خیال میکردم شاید ثمراین کوششهای امثال من که من هم جزئی در این حرکت بودم برای پنجاه سال دیگرشده، صدسال دیگرشده، — محصولش رانسل آینده، نسلهای آینده ببینند، بحمداله بشکر خدا این نیرویی است که با همه عوارض جسمی و ناتوانیهای بدنی که دارم ما را به حرکت واداشته هنوز سرپانگه داشته، میبینم ثمره این کوشش ها اکنون دارد رسیده میشود، این قرآنی که ازابتداء ریک زمانهایی که حتی گفتن تفاسیر قرآن نوعی کفر بود ما بدست گرفتیم يك پرتوی از آن که به فکر من می آمد ارائه دادیم ولی این پرتوی است، این ساحلی است، آنهایی که اکنون استعداد فکری و تجربیات، دانش ها، نیروی بدنشان آماده تراست، مانیز در مسیر همین ساحل قدم بردارند تا همانظوری که امیرالمومنین فرمود دریائی است که باید غواص های — ماهری باشند که از جواهرات آن از گوهرهای آن استفاده کنند .

همانظوری که گفتید دنیا ثابت کرده که قدرت سلاح و سپاه در مقابل فکر و عقیده و ایدئولوژی عاجز است، انبیاء هم همین رانشان دادند . تاریخ هم همین رانشان داده شما هم الان همین رامیگوئید، مشاهده میکنید یا میدانید چه قدرت هائی، چه سلاحهائی چه کارشناس هایی بکار رفت، هم اینها بیت العنکبوت بود در مقابل عقیده، پایداری و راه را پیمودند و تاپای جوبه دارصدای تکبیرشان فضا را پر کرده — بود.

ارتجاع، ارتجاع، همدست منوچهر است

اینها ابتدای را ، بشما که مانند آینه‌هاست که ماندند و از این سعادت
عظمی محروم شدید ، شاید هم اراد مخد بود که باید بمانید و باید این
راه را طی کنید ، اگر اشتباهاتی بود مجبران کنید ، اگر نقصهایی بود که
تکمیل کنید و اگر نارسائی هایی بوده رساترش کنید و این راه دیگر به
عهد ه شماست که به پیمایید .

در روز زندان يك قدرت قهارى كه با كارشناسان خارجى و اسرائیلی
و داخلی و اینهمه سپاه و قتی که در مقابل این شکنجه چی ها و بازجوها^ی
که خودتان می شناسید و دیدید از نزدیک و اینهمه گروههای سیاسی
که به اسمهای مختلف چپ و راست در زندان بودند ، وقتی اسم -
مجاهدین برده میشد ، اعصاب اینها به هم می‌لرزید و کنترلشان را از دست^{ست}
میدادند . با این که اغلب در جنگال آنها بودند ، این دلیل بر قدرت
عقیده و ایمان به حقه ، از اسم " مسعود رجوی وحشت داشتند ، از اسم
خپابانی " وحشت داشتند ، همچنین دیگران این دلیل بر این است
که در همین اوج قدرت دشمن به حسب ظاهر که همه در جنگال ایسن
دشمن گرفتار بودیم باز قدرت شما فائق بود . این قدرتی است که نباید
دست کم گرفت . من بیرون که آمدم ، این حرکت ، این تظاهرات ، این -
شهادتها و این اجتماعات ، می بینم که می جوشد ، همان جوانهایی که
اکثرشان سه سال قبل در صف سینماهای کثیف ، دختر و پسر ما دنبال

باهر ، مجاهد ، طلایه دار خلق است

مراکز فساد می رفتند . حال همانها هستند یا مردم دیگری هستند
 تعجب میکنم . همانها هستند با صدای تکبیر در مقابل توبوتانك —
 میروند . این همان تحول عظیمی است که ما بحداله شاهدش —
 هستیم . آنچه من نگرانم و بارها گفتم ، اینست که در این مبارزه حاد که
 بین قدرتی که مسلح است به سلاحهای روز و مردمی که هیچ سلاحی
 در دستشان نیست و اگر هم هست به کار نمی برند در گرفته ، و میبینیم
 که باز همین است که جوانهای ماهوش مندند ، شما مردان و جوانهای
 با ایمان که وارث فکر قرآن هستید و ما به آخر خطر رسیدیم شما باید
 این راه را تکمیل کنید ، از تکمیل معتقداتتان ، از قرآن و از وحی و —
 سنت پیامبر و از سنت ائمه در یافت کردید باید تکمیل کنید .
 این مبارزه تمام میشود به يك جایی میرسد ، فرق نمیکند ، شاه رفت ،
 يك بتی شکسته شد ، اما این کافی نیست ، باید همه بتها شکسته بشود
 هنوز خیلی بت سر راه داریم . اگر يك مهره ای از بت را از کشور بیرون
 راندیم بصورتها ی دیگر خواهند بود و این کار ابراهیمی است که بتی را
 به تمام ابعاد فکری و عقیده ای وایدئولوژی ، اگر این ایدئولوژی بت
 شد خودش منخرب است .

آنچه از ایدئولوژیها واقعا " جنبه عالی و واقعی دارد با تعالیم عالیه —
 قرآن منافاتی ندارد ، جنگی ندارد . ولی باید در این بیشتر تفکر

برافراشته باد پرچم مبارزه مسلمانان

کنیم و استقلال مکتب قرآن و وحی را نشان بد هیم . همانطوریکه در ایسن مدت همان سیاستمداران خارجی و همانها که طراح تمام سیاستهای دینی و جنگهای دنیا هستند از این سرگیجه گرفتند که از نهضت از کجا شروع شده ، با هیچ معیاری از معیارهای آنان تطبیق نمی کند ، نمی فهمند چیست ولی مای فهمیم چیست . آنها که با من مواجه بودند در روزنامه هائی که گاهی خواندید و ترجمه میشود ، در آن می بینیم که می نویسند این همه کار کردیم روی این سرزمین ، از کجا جوشید ، از کجا پیداد شد . آنها نمی فهمند چون در این بعد نیستند . اصالت اقتصاد در شرق و غرب اصل ایدئولوژی شده . ولی ما مطلب دیگری داریم که فوق اقتصاد است . و آنها از آن دیدگاه می یکنند . شرقشان و غربشان ، باید این را ارائه بد هیم ، جلسه داشتیم وزیر ادگشتی آمریکا در زمان کندی هم بود و یک استاد دانشگاه آمریکائی ، وقتی يك مقداری از مکتبمان و ایدئولوژی مان مطلع شدند ، تکان خوردند ، بخصوص آن استاد که جامعه شناس هم بود ، می گفتند امیدواریم يك روزی ببائید و ما را نجات بد هید . همانطور که گفتم شما اولین کارتان همین است ما کم و بیش در دسترستان هستیم انشالله این مسایل را ابعاد قرآن را که هنوز در ساحلش هستیم و هنوز هم باید جلوبرویم و نشان بد هیم به دنیا که ماها باید کوشش کنیم ، و بعد از این تا بحال اگر "مرايك معلم

منها ره رهائی خلقهای نعت مستم جهان

قرآن می دانستید ، حال امن میخوهم فکرم ، سلولهایم ، کم کار شدند
 تنبیل شدند ، مریض شدند . امیدوارم بعدها ما از شما درسها و تجربیات
 جدیدی بدست بیاوریم" انشالله تعالی خداوند تاییدتان کند .

پیش بسوی جامعهٔ بی‌گناهِ توحیدی

۶ یكروز از جانب «ایروانی» مدیرعامل «كفش ملی» دو، سه گونی برنج آوردند و تحویل دفتر آیت‌الله طالقانی دادند تا خرج مستمندان بشود. کسی که برنج‌ها را آورده بود، اصرار داشت که رسید دریافت کند و بر نیکوکاری و بذل و بخشش آقای ایروانی، صبح گذاشته شود، دفتر زیر بار نرفت و حاضر نشد وجه‌المصاحبه قرار بگیرد. بعد همان فرد رسیدی را از دفتر یکی از روحانیون ارائه کرد که در آن رسید از «ایروانی» بعنوان يك شخصیت مؤمن و مسلمان و نیکوکار تجلیل شده بود!

۷ بر سر تخلیه جنبش ملی مجاهدین، آیت‌الله طالقانی روبه «آذری قمی» دادستان انقلاب اسلامی مرکز کرد و گفت: مگر امام نفرمود با اینها کاری نداشته باشید چرا مقرر آنها را اشفال کردید؟ «آذری قمی» سستی کرد این عمل را موجه نشان بدهد. «آقا» عصبانی شد و گفت: هر کدام از شماها علاقه دارید، هر کاری که می‌کنید مورد تأیید من باشد؟

بعد از تحولاتی که در روزنامه «کیهان» پیش آمد و سردیر وقت کیهان از «آیت‌الله طالقانی» وقت گرفت که با ایشان يك مصاحبه اختصاصی برای کیهان ترتیب بدهد. در همان جلسه‌ای که مذاکره برای جلب رضایت آقا منظور انجام این مصاحبه در جریان بود، گروهی از کارکنان کیهان وارد اتاق «آقا» شدند، «آقا» با حیرت پرسید. آقایان برای چه آمده‌اند؟ «مشری» پاسخ داد که آمده يك عکس بعنوان یادگاری بگیرند. «آقا» ضمن اینکه حاضر به انجام مصاحبه نشد، گفت: با اینکار می‌خواهید من به کار شما در کیهان صحنه بگذارم و آن را تأیید کنم؟

یکهفته مانده به ماه رمضان، «آیت‌الله طالقانی» بر استراحت به حومه دماوند عزیمت کرد. پاسداران ایشان جمعی از نزدیکان نیز همراه بودند. در محل استراحت که یکی از باغهای اطراف دماوند بود، «آقا» اظهار علاقه کردند که تمرین تیراندازی کنند. يك حلی را گذاشتند و يك نوع مسابقه تیراندازی بین ایشان و پاسدارانشان شروع شد. هم با اسلحه «کلت» و هم با «مسلسل بوزی» تیراندازی «آقا» دقیقتر از پاسداران بود و این حادثه حاضران را دچار حیرت کرد.

● این یادداشت‌ها براساس حصرهای چندتن از آشنایان و دوستان دور و نزدیک آن بزرگمرد فراهم آمده‌اند

۴ سالی که «فاطمه امینی» چهره اسطوره‌ای و عضو سازمان مجاهدین خلق ایران زیر شکنجه دژخیمان شهید شد، آقا در زندان بود. این زن مجاهد تا آخرین لحظه‌های حیاتش لب به سخن نگشود و دژخیمان را دیوانه کرد. در همان زمان برادر شهید فاطمه امینی، هم سلول آیت‌الله طالقانی بود. او را دژخیمان ساواک می‌بردند شکنجه می‌دادند و با پاهای شکافته و بی‌کسر آسیب دیده در سلول رها می‌کردند. «آقا» با وجود بیماری و کسالت شدید، زخمهای این مجاهد خلق را با همان امکانات محدودی که در اختیار داشتند، پانسمان می‌کردند، اما واقعه دوباره تکرار میشد. این حوادث که در چند مورد دیگر نیز در همان سلول تکرار شد، روزها، ساعت‌ها و لحظه‌های درآوری برای او بود زمان ایجاد کرده بود. و آخرین شیی که برادر مجاهد شهید خلق «فاطمه امینی» را برای تیرباران می‌بردند، آقا برای او، دعا خواند و شهادتش را تبریک گفت. برادر «فاطمه» در تمام ایامی که هم سلول «آقا» بود نمی‌دانست برسر خواهرش چه آمده است.

روز بعد از «عاشورا» به سبب ناراحتی‌هایی که بعضی از مفرضان و حسودان برای «آقا» فراهم کرده بودند، «مهندس سبحانی» از «آقا» خواست که در ارتباط با این مسائل اعلامی‌های بدهند و مردم را آگاه کنند. «آقا» گفت، من از سال ۱۳۳۰ دارم از دست اینها می‌کنم. سال «۱۳۳۰» بلائی بسر من آوردند که حتی خواهرم نسبت بمن دچار تردید شده بود و گمان می‌کرد من پیرو فرقه خاصی شده‌ام، اینها می‌خواهند که چنین تحریکاتی دامن زده بشود. بگذارید ما در راه خدا و خلق انقلاب را پیش ببریم، اینها خود بخود از دور خارج می‌شوند.